



آموزه‌ها، اهداف و پیام‌های قیام عاشورا

شخصیت و عظمت امام حسین (ع) همه جا را فراگرفته است. تمام انسان‌های بیدار از فداکاری و گذشت و جوان مردی امام حسین (ع) در راه احیای دین، حق و عدالت و ریشه کن کردن باطل و ظلم سخن می‌گویند، هر کس با زبانی از این امام بزرگ و پیروز در هر عصری به بزرگی یاد می‌کند.

به گزارش آران نیوز:

شخصیت و عظمت امام حسین (ع) همه جا را فراگرفته است. تمام انسان‌های بیدار از فداکاری و گذشت و جوان مردی امام حسین (ع) در راه احیای دین، حق و عدالت و ریشه کن کردن باطل و ظلم سخن می‌گویند، هر کس با زبانی از این امام بزرگ و پیروز در هر عصری به بزرگی یاد می‌کند.

خاطره جان‌گداز و بسیار آموزنده عاشورا بزرگ‌ترین فداکاری‌ها را به بشر می‌آموزد. قیام امام حسین (ع) منبع الهام بخش، برای به ثمر رساندن حق و عدالت بود. آن چنان همت امام بلند بود که برای اعتلای کلمه حق از همه چیز خود گذشت. چنانچه برای نجات اسلام از طوفان‌های بنی امیه و طرفداران آنها به جهانیان فرمود: «آگاه باشید (ابن زیاد) مرا، میان کشته شدن و ذلت مخیر ساخته، ولی ذلت و خواری از ساحت ما دور است. نه خدا ذلت را برای ما می‌پسندد و نه پیامبرش و نه مردان با ایمان دنیا، و نه آن دامن پاکی که مرا پرورش داده و نه آن روح با مناعتی که من دارم، من هرگز اطاعت مردم‌پست را بر کشته شدن با شرافت ترجیح نمی‌دهم.»

اهداف قیام عاشورا

در مورد هدف قیام امام حسین (ع) عقاید مختلفی است، نظریه پردازان به گونه‌هایی مختلف هدف امام (ع) را تبیین کرده‌اند: گاهی حرکت امام (ع) برنامه‌ای معنوی می‌شود که از جانب خداوند طراحی شده که امام (ع) مجری آن بوده و قدم به قدم کارهایی را که از جانب خداوند متعال مأموریت داشته انجام می‌دهد؛ عده‌ای هدف امام را امر به معروف و نهی از منکر معرفی کرده‌اند، چنان که عده‌ای هدف را مبارزه با حکومت وقت دانسته‌اند و برخی نیز قیام کربلا را به منظور برپایی حکومت تبیین کرده‌اند.

وظیفه شرعی و تکلیف الهی و احساس مسئولیت

این مطلبی است که دلیل آن در سخنان خود آن حضرت و پدر و جد بزرگوارشان و بلکه در آیات کریمه قرآنی هم به وضوح دیده می‌شود؛ مانند آیه‌ای که می‌فرماید: (و لا تعاونوا علی اءلائم و العداون) ، معاونت بر گناه و دشمنی نکنید. بر هیچ کس پوشیده نیست که بیعت امام با حکومت یزید بزرگ‌ترین کمک و معاونت بر گناه بود. و یا وصیت معروف امیرالمؤمنین (ع) به فرزندان خود و به همه شیعیان و به خصوص به حسنین که می‌فرماید: «و کونا للظالم خصماً و للمظلوم عوناً؛ برای ستم کار دشمن و بر مظلومان یاور باشید.» و یا در سخنان حضرت سیدالشهدا این انگیزه و هدف، یعنی عمل به وظیفه شرعی انسجام و تکلیف الهی، به خوبی به چشم می‌خورد. آن جا که وقتی نامه‌ای به بزرگان بصره می‌نویسد و علت نهضت و قیام و دعوت الهی خود را ذکر می‌کند، می‌نویسد: «من شما را به کتاب و سنت رسول خدا دعوت می‌کنم که بر راستی سنت مرده و بدعت زنده شده است.»

جایگاه امر به معروف و نهی از منکر در قیام عاشورا

زمانی که برادر آن حضرت محمد بن حنفیه در مدینه به ایشان پیشنهاد کرد که از سفر منصرف شود، امام (ع) نپذیرفت و وصیتنامه‌ای نوشت: «من جهت خودخواهی و گردن کشی و فتنه انگیزی و ستم گری خارج نشدم بلکه به قصد اصلاح امت جدم خروج کردم. می‌خواهم امر به معروف و از منکر نهی کنم و بر سیره جدّم و پدرم علی بن ابی‌طالب رفتار کنم.»

امام حسین احساس می‌کرد که به وسیله حاکمیت معاویه و سپس یزید و حتی قبل از آن دو اعمالی در میان مردم رواج پیدا کرده که غیر از سیره پیغمبر (ص) و سیره علی بن ابی‌طالب است. از این جهت، امام (ع) اصلاح را ضروری دید و آن اصلاح احیای سیره پدر و جدّشان از طریق امر به معروف و نهی از منکر بوده است؛ یعنی امر به معروف و نهی از منکر وسیله این احیاء است نه آن که خود هدف باشند.

امام و الگوی مبارزه با ظلم

در میان حوادث تاریخ عاشورا و شهدای کربلا از ویژگی خاصی برخوردارند و صفحه صفحه این حماسه ماندگار، تک تک حماسه آفرینان عاشورا، الگوی انسان‌های حق طلب و ظلم ستیز بوده و خواهد بود، هم چنان که اهل بیت به صورت عام‌تر در زندگی و مرگ، در اخلاق و جهاد، در کمالات انسانی و چگونه زیستن و چگونه مردن، برای ما سرمشقند، از خواسته‌های ماست که حیات و ممات ما چون زندگی و مرگ محمد و آل محمد باشد. در تاریخ اسلام نیز، بسیاری از قیام‌های ضد ستم و نهضت‌های آزادی بخش، با الهام از حرکت عزّت آفرین عاشورا شکل گرفته و به ثمر رسیده است حتی مبارزه‌های استقلال طلبانه‌ها به رهبری مهاتما گاندی، ثمره این الگوگیری بود هم چنان که خود گاندی گفته است: «من زندگی امام حسین (ع) را به دقت خوانده‌ام و توجه به صفحات کربلا نموده‌ام و بر من روشن شده است که اگر هندوستان بخواهد یک کشور پیروز گردد، بایستی از قیام حسین (ع) الگو گیرد.»

قائد اعظم پاکستان محمدعلی جناح نیز گفته است: «هیچ نمونه‌ای از شجاعت، بهتر از آن که امام حسین (ع) از لحاظ فداکاری و تهوّر نشان داد، در عالم پیدا نمی‌شود. به عقیده من تمام مسلمین باید از سرمشق این شهیدی که خود را در سرزمین عراق قربانی کرد، پیروی نمایند» از عاشورا، حتی در زمینه تاکتیک‌ها و کیفیت مبارزه و سازماندهی نیروها و خط و مشی مبارزه و بسیاری از موضوعات دیگر هم می‌توان، الهام گرفت.

رمز جاودانگی حماسه عاشورا

یکی از اعجازهای حادثه کربلا، زنده ماندن آن است و هرچه از زمان آن می‌گذرد، تازه‌تر و شفاف‌تر می‌گردد و قلوب انسان‌ها را به خود معطوف می‌سازد. رسول خدا (ص) می‌فرماید: برای شهادت امام حسین (ع) حرارت و گرمایی در دل‌های مؤمنان است که هرگز سرد و خاموش نمی‌شود. «بنی امیه از طرح واقعه کربلا، اندیشه‌های جز براندازی و ریشه کن کردن شجره طیبه مطهر رسول الله (ص) در قالب شهادت آفرین فرزند پیامبر اکرم (ص) و پنجمین اهل کساء نداشتند. آنان در این واقعه، از هر جنایتی فروگذار نبودند؛ مانند شهادت طفل شیرخوار و یا تاختن با اسب‌ها بر پیکر مطهر آنان و یا تخریب بارگاه آن معصوم مظلوم و با هتک حرمت‌های دیگر اما پس از گذشت چهارده قرن هنوز همان طراوت و شکوه و جلال را داشته و هر روز بر عظمت آن افزوده می‌گردد.

اینک می‌بینیم که نه تنها امام حسین (ع) و یارانش مورد تکریم و احترام شیعیان جهان است که جایگاه ویژه‌ای در قلوب دیگر ادیان آسمانی قرار دارد و بسیاری از پیروان آیین‌های غیر اسلامی نه تنها به آنان احترام قائلند بلکه برای گشایش مشکلات خود به آنان تمسک می‌جویند و نذری می‌دهند.

عزت و افتخار حسینی در حماسه کربلا

ستم‌پذیری و تحمل سلطه باطل و سکوت در برابر تعدی و زیر بار متّ دونان رفتن و تسلیم فرومایگان شدن و اطاعت از کافران و فاجران، همه و همه از ذلت نفس و بزبونی و حقارت روح انسانی سرچشمه می‌گیرد. بیش از همه امامان، از امام حسین (ع) مطالبی درباره مسئله کرامت و عزّت نفس نقل شده است. استاد شهید مطهری می‌فرماید: امام حسین (ع) مرگ با عزت را بهتر از زندگی با ذلت می‌دانست. جمله معروف امام حسین (ع) «هیئات متا الذلة» عجیب است و از آن جمله‌هایی است که تا دامنه قیامت از آن حرارت و نور می‌تابد. حماسه و کرامت و عزت و شرافت نفس می‌بارد.

عاشورا و فرهنگ شهادت

در دید عاشوراییان، حیات در محدوده تولد تا مرگ خلاصه نمی‌شود بلکه امتداد وجودی انسان به دامنه قیامت و ابدیت کشیده می‌شود. با این حساب، فرزانه کسی است که به سعادت دنیا بیندیشد و نعمت ابدی را به برخورداری موقت این دنیا ترجیح دهد. از همین ره گذر حمایت و یاری دین و اطاعت از ولی خدا، زمینه ساز سعادت ابدی است. شرافت در حمایت از حجت خداست، هرچند به کشته شدن در این راه بینجامد.

نقش عاشورا در بیداری ملت‌ها

از جمله آثار و برکات دیگر قیام و شهادت سیدالشهدا (ع) در بعد سیاسی، اجتماعی اوست. بیداری خفتگان و انتقال روح مبارزه جویی علیه ظلم و ستم بوده و هست. در آن اوضاع، انقلاب خونین سیدالشهدا (ع) تمام معادلات سیاسی دشمنان را در هم زده و اوضاع اجتماعی آن دوران را دگرگون ساخت. خون امام حسین (ع) همانند آب حیاتی بود که در کالبد‌های مرده و خشک و مأیوس جریان پیدا کرد و منشأ قیام‌های بسیاری شده و به راستی می‌توان گفت که عصر عاشورا پایان نهضت حسین (ع) نبود، بلکه آغاز حرکت و اول بیداری ملت اسلام خصوصاً شیعیان بود.

مجالس عزای حسینی همواره کانون بیدارگری‌ها، ارشاد و کفر ستیزی بوده است و پیوسته امامان شیعه، دوستانشان را ترغیب به برپایی این گونه مجالس می‌کردند. این‌علاقه پاکی که مردم به اهل بیت: و سالار شهیدان دارند، سرمایه ارزشمند تربیت و هدایت است و باید در این مجالس از آرمان بلند حضرت گفت. باید در این مجالس عبرت‌ها و درس‌های عاشورا مطرح شود. تا خفتگان بیدار شوند. این مجالس حسینی فقط برای این نیست که چند روز گرد هم بیاییم و گریه و زاری و سینه و زنجیر بزنیم و بعد روز از نو و روزی از نو. بلکه هم چنان که امام خمینی و بزرگان کشور گوش زد می‌کردند و می‌کنند این محرم است که اسلام را زنده نگه داشته است.

آثار نهضت حسینی از خود دستگاه اموی و دشمنان حضرت شروع شد. بعد از شهادت امام حسین بلافاصله ا فریادها و انتقادها که مقدمه فروریختن ارکان حکومت منحوس بنی امیه بود، بلند شد. سنان بن انس هنوز از قتلگاه امام بیرون نرفته بود که یارانش به او گفتند: «تو حسین بن علی را پسر پیامبر و پسر دختر پیامبر را کشتی؟ تو مردی را کشتی که از همه عرب بزرگ‌تر است و آمده بود تا حکومت را از دست بنی امیه بگیرد.

و این نشان دهنده آن است که از همان لحظات اولین بعد از فاجعه عاشورا جرقه انقلاب‌ها آغاز شده است و بعد از آن بود که قیام‌هایی، مانند قیام مختار و توابین و سرانجام قیام بزرگ ایران بوجود آمد و به نظر می‌رسد بعد از این هم، اگر قیامی علیه ظلم رخ دهد به برکت عاشورا و کربلا باشد.